

بر سر دوراهی پلنوم و کنگره

با پس کشیدن رفقای حزب کردستان و عراق از میانجیگری بین دو جناح درگیر در حزب حکمتیست، ما وارد مرحله تازه‌ای میشویم که سناریوهای موجود محدودتر شده و بسیاری از اعضا و کادرهای حزب را بر سر دوراهی پیشنهادی هر دو جناح قرار میدهد. در این مختصر سعی مینمایم هر دو آلترناتیو را با در نظر گرفتن عملکرد هر دو جناح و به ابژکتیوترین شکل ممکن بررسی کنیم.

مقدمتا نیازمندیم شمه‌ای کوتاه از وقایع چند هفته اخیر را مرور کنیم.

پلاتفرمی به تصویب هیئت دائم دفترسیاسی میرسد و ضمن درج در نشریه علنی حزب و بعنوان سیاست جدید حزب به کلیه ارگانهای حزبی ابلاغ میشود. این اقدام نابهنگام منجر به عکس العمل خارجی و داخلی گردید، که هر دو از اهمیت قابل توجهی برخوردارند.

اول در خارج حزب، منتقدین و دشمنان خط رسمی و تاکنونی حزب حکمتیست (که به شهادت عام و خاص از تزاها و طرحهای رفیق کورش مدرسی و تصویب آنها در کنگره های متمادی شکل گرفته بود)، صاحبان پلاتفرم و اقدام ایشان را مورد تشویق قرار دادند و میدهند.

در داخل رهبری حزب هم مدافعین سرسخت خط رسمی و تا کنونی حزب در غیاب کنگره خود را موظف بدفاع از خط رسمی مورد تایید آخرین کنگره ای که این رهبری را انتخاب کرده میدانند و عکس العمل شدید نشان میدهند. با اینحال راه حل حزب کردستان و عراق را برای برون رفت از بحران بی قید و شرط میپذیرد.

بررسی پلاتفرم، عکس العمل خارج و داخل حزب در آن رابطه مرا متقاعد کرد،

که این تغییر سیاست، استراتژیک است و لذا فقط در اختیار کنگره های احزاب (چه احزاب بورژوائی و چه کارگری) است. کمیته های مرکزی و زیر نهادهای آن صرفا قوای اجرائی مصوبات کنگره ها هستند و مصوبات خودشان در صورت تناقض با مصوبات ارگان مافوق (کنگره) فاقد اعتبار است و خود بابت تخلف مذکور مورد اقدامات انضباطی قرار میگیرند.

با توجه به اینکه رفقای هیئت دائم که از باسابقه ترین رفقای رهبری هستند، بجای در دستور مباحثات کنگره گذاشتن پلاتفرمشان (اینطور که معلوم است کنگره و مسئول تدارک آن، رفیق خالد حاج محمدی نیز تعیین شده بود)، ترجیح دادند سرخود آنها به سیاست کل حزب تبدیل و به تشکیلات بقبولانند. این کارشان نه از سر بیتجربگی بلکه از سر پرتجربگی زیاد در امر انشعابات پی در پی و عادی شدن چنین پروسه‌ای بوده است.

ادبیات اطلاعیه های رفقای هیئت دائم و ضد حزبی و انحلال طلب خواندن رفقای خط رسمی، همزمان با پیش شرط گذاردن برای طرح برون رفت از بحران که دو حزب میانجی ارائه داده بودند. و همچنین حملات عناصر افراطی کمپ هیئت دائم به کورش مدرسی (کسی که در آخرین کنگره همگان از او قدردانی کردیم)، برای من هیچ نشانی از تصمیم به کار مشترک و زیر یک سقف حزبی، با جناح مخالفشان را نمیدهد.

بخصوص توجهتان را به ادبیات هیئت دائم در پاسخ به فراخوان کنگره جلب میکنم که چیزی بجز یک حزب تک بنی از آن بمشام نمیرسد.

لذا از تعارفات که بگذریم در حالیکه هیئت دائم و اردوگاهش آتش بس نداده است، چگونه طرف مقابل را به نشست مشترک (پلنوم) فرامیخواند؟

در این جلسه که هیچ نیروی حافظ صلحی هم وجود ندارد عاقبت کار آن روشن است. از کلیه نوشتجات، عمل و عکس‌العمل‌های کمپ رفقای هیئت دائم چنین برمیآید که تصمیم خود را به تکمیل طرحی که برای تغییر ریل حزب قبل از کنگره و با توازن قوای کنونی آغاز کرده اند، گرفته اند. با کمال تاسف باید به رفقاییکه میخواهند به این پلنوم بروند تا شاید آب رفته را بجوی بازگردانند، بگویم که یافته های من چنین ارمغانی را نمیدهند. امیدوارم که من اشتباه کرده باشم.

پلنوم بر اساس استدلالات بالا مسیر حذف جناح مخالف از آخرین موقعیتهای تشکیلاتیش را طی کرده و بتدارک کنگره ای می‌رود که تدارک و برگزاری آن تضمین کننده تغییر ریل حزب بدون مجال دادن به بدنه تشکیلات به دخالت در این تعیین سرنوشت، میباشد. بدین ترتیب انشعابیکه با مصوبه هیئت دائم آغاز شد با اختتامیه پلنوم سوت تکمیل آن بصدا در خواهد آمد. و در کنگره متعاقب آن شاهد جشن پیروزی طرفداران خط تغییر ریل خواهیم بود.

فراخوان کنگره از جانب جناح موسوم به خط رسمی دفتر سیاسی نیز که عکس‌العملی به وقایع بود، با اظهار اینکه نمایندگان کنگره چهارم میتوانند این کنگره را نیز نمایندگی کنند، سعی کرد امکان حضور دو جناح را در موقعیتی برابر و بدور از تشنج در مقابل عالیتترین مرجع حزبی به قضاوت بنشانند و سیاست رسمی حزب را تعیین تکلیف کرده و راه خود را از آنجا انتخاب کند.

به دلیل عدم پذیرش توازن قوای موجوده در کنگره چهارم، از جانب کمپ هیئت دائم، این کنگره عملاً صرفاً به شرکت نمایندگان وفادار به خط رسمی و تاکنونی حزب حکمتیست خواهد انجامید. با اینکه کمپ خط رسمی کماکان به تعدد نظرات و وحدت اراده ایمان دارد و متعهد است، لیکن در هفت سال اخیر در به کانال رسمی (فراکسیون قانونی و علنی) هدایت کردن مخالفین خط رسمی ناکام ماند و یکبار دیگر چپ ایران از این تجربه نوین محروم شد و بلوغ سیاسی‌اش بتاخیر افتاد. فرهنگ غالب در این کشور که همانا فرهنگ طبقات حاکم است، بازتولید کننده سنت احزاب تک بنی در قدرت و در اپوزیسیون میباشد.

خلاصه کنم با کمال تاسف و بزبان ساده، تجربه حزب تعدد نظرات و وحدت اراده در اولین آزمون تاریخی خود ناموفق از آب درآمد است و میباید این عدم موفقیت مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا شانس موفقیتش در تلاشهای بعدی افزایش یابد.

دو تشکیلات متفاوت از دل این جریان بیرون خواهد آمد که یکی به مشخصات ژنتیکی حزب حکمتیست سال ۲۰۰۴ بسیار نزدیک است و دیگری آگاهانه و باسرعت در حال دوری جستن از آنست.

به تمامی رفقاییکه خود را بر سر دو راهی مینند توصیه میکنم راهتان را آگاهانه و بر مبنای اعتقاداتان

به هریک از این دو خط و بدور از فشارها و تعلقات عاطفی، تعیین کنید. پیاده شدن در این ایستگاه تا روشنتر شدن اوضاع نیز گزینه برخی دیگر خواهد بود. انتخاب آزادانه و مستقل هر یک از این سه گزینه مورد احترام و حق شماست. صحت انتخابمان را آینده روشن خواهد کرد. تاریخ نویسان به کارنامه کمیته مرکزی منتخب کنگره چهارم چه نمره‌ای خواهند داد؟ شما چطور؟

با سپاس از وقت عزیزتان

اسعد کوشا

دوم ژانویه ۲۰۱۲